



University of Tehran Press

Private Law

Home Page: <https://jolt.ut.ac.ir>

Online ISSN: 2423-6209

Investment Contracts in the Energy Sector

Abdolhossein Shiravi^{1*}  Tahereh Taghizadeh² 

1. Corresponding Author, Department of Law, Faculty of Law, Collage of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran. Email: ashiravi@ut.ac.ir

2. Department of Law, Faculty of Law, Collage of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran. Email: tr.taghizadeh@gmail.com

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:

Received January 12, 2025

Revised February 05, 2025

Accepted February 05, 2025

Published online 18 March 2025

Keywords:

investment contracts,
energy law,
private sector,
public bodies.

ABSTRACT

The Investment Promotion and Protection Law of Iran outlines two schemes for foreign investment: direct investment and contractual investment. In the first scheme, the investor proceeds with the investment by obtaining the necessary permits from relevant organizations without needing to enter into a specific contract with government bodies. In the second method, investment is made through a contract between the investor and one of the government organizations or companies, where the conditions, rights, and obligations of the parties are defined. This article first examines the reasons behind the focus on contractual investment within the energy sector and explains the challenges and limitations associated with it. It also analyzes the impact of Article 12 of the Removal of Competitive Production Barriers Law as a legal tool for facilitating contractual investments in the energy sector. The article further investigates some of the most important investment contracts in energy, including upstream oil and gas contracts, public-private partnerships, and energy conversion and power purchase agreements. Finally, the article suggests that in order to attract more foreign investments and enhance the quality of energy projects, conditions for direct investment should be established, and contractual processes should be designed more transparently and equitably to strengthen the private sector's incentives to participate in these projects.

Cite this article: Shiravi, A. & Taghizadeh, T. (2024-2025). Conflict in Jurisdiction Between Courts and Non-Judicial Authorities. *Private Law*.21 (2), 203-218. <http://doi.org/10.22059/jolt.2025.388693.1007362>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2025.388693.1007362>



انتشارات دانشگاه تهران

حقوق خصوصی

سایت نشریه: <https://jolt.ut.ac.ir>

شاپا الکترونیکی: ۶۲۰۹-۲۴۲۳

قراردادهای سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی

عبدالحسین شیروی^{۱*} | طاهره تقی‌زاده^۲

۱. نویسنده مسئول، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشکدگان فارابی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: ashiravi@ut.ac.ir

۲. گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشکدگان فارابی، تهران، ایران. رایانامه: tr.taghizadeh@gmail.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۲۸

کلیدواژه:

سرمایه‌گذاری قراردادی،

حقوق انرژی،

بخش خصوصی،

نهادهای دولتی.

در قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی ایران، دو روش برای سرمایه‌گذاری خارجی پیش‌بینی شده است: روش مستقیم و روش قراردادی. در روش اول، سرمایه‌گذار بدون نیاز به انعقاد قرارداد خاص با نهادهای دولتی، با کسب مجوزهای لازم، اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کند؛ ولی در روش دوم، سرمایه‌گذاری از طریق قراردادی بین سرمایه‌گذار و یکی از سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی انجام می‌شود که در آن شرایط حقوق و تعهدات طرفین مشخص می‌شود. این مقاله در ابتدا دلایل تمرکز بر سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی به روش قراردادی را بررسی و چالش‌ها و محدودیت‌های آن را تبیین می‌کند. همچنین، تأثیر ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر به عنوان یک ابزار قانونی برای تسهیل سرمایه‌گذاری به روش قراردادی در بخش انرژی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در ادامه، برخی از مهم‌ترین قراردادهای سرمایه‌گذاری در انرژی شامل قراردادهای بالادستی نفت و گاز، مشارکت‌های عمومی-خصوصی، و قراردادهای خرید تضمینی و تبدیل انرژی بررسی می‌شود. در نهایت، مقاله پیشنهاد می‌کند که برای جذب بیشتر سرمایه‌گذاری‌های خارجی و ارتقای کیفیت پروژه‌های انرژی شرایط برای سرمایه‌گذاری مستقیم فراهم شود و فرایندهای قراردادی به طور شفاف‌تر و متوازن‌تری طراحی شوند تا انگیزه‌های بخش خصوصی برای مشارکت در این پروژه‌ها تقویت شود.

استناد: شیروی، عبدالحسین و تقی‌زاده، طاهره (۱۴۰۳). قراردادهای سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی. حقوق خصوصی، ۲۱ (۲) ۲۰۳-۲۱۸.

<http://doi.org/10.22059/jolt.2025.388693.1007362>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© نویسندگان.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2025.388693.1007362>



مقدمه

در قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی ایران سرمایه‌گذاری خارجی به دو روش قابل انجام دادن است. در روش اول که قانون‌گذار آن را به روش مستقیم تعبیر کرده است سرمایه‌گذار با کسب مجوزهای لازم از سازمان‌ها و نهادهای ذی‌ربط نسبت به سرمایه‌گذاری اقدام می‌کند بدون اینکه نیاز باشد در این خصوص با سازمان یا نهاد دولتی خاصی قرارداد سرمایه‌گذاری منعقد کند. در روش دوم سرمایه‌گذاری خارجی در قالب انعقاد قرارداد سرمایه‌گذاری بین سرمایه‌گذار و کشور میزبان انجام می‌شود که شرایط، حقوق، و تعهدات سرمایه‌گذار در قرارداد مشخص می‌شود.

در این مقاله، این پرسش مطرح می‌شود که چرا سرمایه‌گذاری در بخش انرژی کشور عمدتاً به جای روش مستقیم به صورت قراردادی انجام می‌شود و ترکیب قرارداد با سرمایه‌گذاری چه آثاری برای طرفین دارد. بر این اساس، ابتدا دلایل ترجیح سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به روش قراردادی در حوزه انرژی بررسی می‌شود و سپس محدودیت‌های این روش مورد بحث قرار می‌گیرد. همچنین ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر به عنوان یک اجازه عام برای انعقاد قراردادهای سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی بررسی می‌شود. در ادامه برخی از مهم‌ترین قراردادهای حوزه انرژی از قبیل قراردادهای بالادستی نفت و گاز، مشارکت‌های عمومی-خصوصی، قراردادهای تبدیل انرژی، و قراردادهای خرید تضمینی مورد تحلیل قرار خواهند گرفت. در نهایت، شیوه‌نامه تأمین مالی قراردادهای بالادستی نفت و گاز بررسی خواهد شد.

دلایل سرمایه‌گذاری به روش قراردادی

عمده سرمایه‌گذاری بخش غیر دولتی در طرح‌های انرژی کشور به روش قراردادی انجام می‌شود. این امر دلایل حقوقی و غیر حقوقی عمده‌ای دارد. اول دلیل محدودیت‌های قانونی برای سرمایه‌گذاری مستقیم است. از نظر حقوقی، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در فعالیتهایی که در انحصار دولت است تنها از طریق انعقاد قرارداد امکان‌پذیر است. به موجب بند «ب» ماده ۳ قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی، سرمایه‌گذاری خارجی در فعالیتهای اقتصادی که در انحصار دولت قرار دارند تنها از طریق قراردادهای مشارکت مدنی، بیع متقابل و ساخت، بهره‌برداری، و واگذاری (بی‌اوتی) مجاز است. علاوه بر این گزاره قانونی عمومی، قوانین پراکنده دیگری نیز وجود دارند که سرمایه‌گذاری از طریق انعقاد قرارداد را مجاز می‌سازند.

دومین دلیل نبود بازار مناسب برای خرید خوراک و فروش محصولات انرژی و سلطه شدید دولت و بنگاه‌های شبه‌دولتی بر بازار است که باعث می‌شود سرمایه‌گذاری به روش مستقیم فاقد توجیه اقتصادی باشد. به همین دلیل، سرمایه‌گذاران ناچارند تنها به طور محدود و از طریق قرارداد نسبت به سرمایه‌گذاری اقدام کنند (Quak, 2018: 2).

قرارداد برای سرمایه‌گذاران یک جریان نقدی تضمین‌شده را پس از شروع بهره‌برداری از طرح انرژی فراهم می‌آورد که این جریان نقدی به عنوان مبنای اقتصادی طرح عمل می‌کند و آن را از نظر مالی توجیه‌پذیر می‌سازد. این تضمین جریان نقدی نه تنها ریسک‌های درآمدی سرمایه‌گذار را کاهش می‌دهد، بلکه باعث می‌شود طرح‌های انرژی به عنوان پروژه‌های اقتصادی قابل اجرا و سودآور در نظر گرفته شوند. قراردادهای به‌ویژه در قالب‌های ساخت و بهره‌برداری و واگذاری (بی‌اوتی) یا سایر مدل‌های مشابه، بستری را فراهم می‌آورند که از بازگشت سرمایه اطمینان حاصل شود و به سرمایه‌گذاران این امکان را می‌دهد تا با کاهش ریسک به تأمین مالی طرح‌های بزرگ انرژی بپردازند.

محدودیت‌های سرمایه‌گذاری به روش قراردادی

سرمایه‌گذاری به روش قراردادی با محدودیت‌ها و تنگناهای متعددی روبه‌رو است که ماهیت آن غالباً بیشتر شبیه به پیمانکاری یا حتی پیمانکاری به علاوه تأمین مالی است تا سرمایه‌گذاری به معنای واقعی. در اینجا به برخی از این مشکلات و چالش‌ها اشاره می‌شود. نخست، در اغلب قراردادهای سرمایه‌گذاری، دستگاه دولتی به عنوان کارفرما و سرمایه‌گذار به عنوان پیمانکار تلقی می‌شود. این تقسیم‌بندی نه به عنوان یک تمایز ظاهری، بلکه به دلیل ماهیت رابطه کارفرمایی-پیمانکاری است که به شدت بر مفاد قرارداد سایه می‌اندازد. در قراردادهای پیمانکاری، پیمانکار تحت نظارت و کنترل و دستور کارفرما فعالیت‌های مشخص‌شده در

قرارداد را انجام می‌دهد و معمولاً بر اساس پیشرفت کار حق الزحمه خود را دریافت می‌کند. این تفاوت اساسی باعث می‌شود کارفرما (دولت) اختیار تغییر و تعلیق یا پایان دادن به قرارداد را داشته باشد و مسئولیت مالی ناشی از آن را نیز بر عهده بگیرد؛ درحالی‌که در مدل سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذار هزینه‌ها و مدت زمان اجرا و درآمد پروژه را پیش‌بینی می‌کند و بر اساس آن نرخ بازگشت سرمایه خود را محاسبه و منابع مالی لازم را تأمین می‌کند. از سوی دیگر، دستگاه دولتی که به عنوان طرف کارفرمایی در قرارداد ظاهر می‌شود بسیاری از مراحل اجرایی از قبیل انتخاب پیمانکاران فرعی و خرید تجهیزات را به تأیید خود منوط می‌کند و نظارت شدیدی بر روند کار اعمال می‌کند. این نظارت و تأسیس فرایندهای تأیید اضافی در عمل باعث افزایش زمان و هزینه‌های اجرای طرح می‌شود که به ضرر سرمایه‌گذار تمام می‌شود.

دوم، از آنجا که سرمایه‌گذاری در قالب قرارداد انجام می‌شود همه قوانین و مقررات مربوط به انعقاد و اجرای قراردادهای دولتی نیز به قراردادهای سرمایه‌گذاری تسری پیدا می‌کند. این امر به این معنی است که برای واگذاری قرارداد به سرمایه‌گذار باید از طریق تشریفات مندرج در قانون برگزاری مناقصات اقدام شود. اما مشکل اینجاست که قانون برگزاری مناقصات عمدتاً برای خرید کالا و خدمات طراحی شده و محتوای آن به طور خاص برای قراردادهای سرمایه‌گذاری مناسب نیست (شیروی، ۱۴۰۳: ۲۲۵ - ۲۶۱).

در قراردادهای سرمایه‌گذاری، علاوه بر تأمین کالا و خدمات، باید مسائل پیچیده‌تری نظیر تأمین مالی، تقسیم ریسک، بازگشت سرمایه، و اهداف بلندمدت در نظر گرفته شود. اما قوانین ناظر به مناقصات عموماً به این ابعاد توجه کافی ندارند و بیشتر بر اساس تحویل کالا و خدمات در یک بازه زمانی معین تنظیم شده‌اند. این تفاوت‌های ماهوی می‌تواند فرایند انعقاد قراردادهای سرمایه‌گذاری را پیچیده و زمان‌بر کند و مانع از ایجاد فضای جذاب و قابل اعتماد برای سرمایه‌گذاران شود. سوم برخی از تکالیف قانونی ناظر به قراردادهای دولتی به قراردادهای سرمایه‌گذاری نیز تحمیل می‌شود، مانند رعایت حداکثر استفاده از توان داخلی. بر اساس قانون «حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی» سرمایه‌گذار موظف است در اجرای طرح سرمایه‌گذاری از کالاها و خدمات داخلی استفاده کند و درصد استفاده از این کالاها و خدمات در هیچ شرایطی نباید کمتر از ۵۱ درصد باشد. این تکلیف قانونی، اگرچه به منظور حمایت از تولید داخلی و اشتغال‌زایی طراحی شده است، در بسیاری از موارد باعث افزایش هزینه‌ها و کاهش کیفیت و تأخیر در اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری می‌شود. در نتیجه، سرمایه‌گذار باید پیامدهای منفی این محدودیت‌ها را تحمل کند. در شرایطی که کالاهای داخلی از نظر کیفیت یا قیمت با استانداردهای بین‌المللی رقابت نمی‌کنند، این موضوع می‌تواند تأثیرات منفی بر زمان‌بندی و کارایی پروژه داشته باشد و در نهایت منجر به افزایش هزینه‌های پروژه و کاهش سودآوری طرح شود (شیروی و پوراسماعیلی، ۱۳۹۰: ۴۱ - ۶۸).

اجازه عام انعقاد قراردادهای سرمایه‌گذاری

ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب ۱ اردیبهشت ۱۳۹۴ یکی از مهم‌ترین منابع قانونی است که به طور گسترده به وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی اجازه داده است نسبت به انعقاد قراردادهای سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی اقدام کنند. به موجب این ماده، به وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی از جمله وزارت نفت و وزارت نیرو و سازمان انرژی اتمی و شرکت‌های تابعه و وابسته به آن‌ها اجازه داده شده است سالیانه تا سقف یکصد میلیارد دلار و پانصد هزار میلیارد ریال (که این مبلغ ریالی هر ساله تا سقف نرخ تورم سال قبل تعدیل می‌شود) با اشخاص داخلی و خارجی قراردادهای سرمایه‌گذاری منعقد کنند.

طرح‌های سرمایه‌گذاری موضوع این ماده باید در جهت اهدافی نظیر تولید، صادرات، ارتقای کیفیت، صرفه‌جویی یا کاهش هزینه در تولید کالا یا خدمات و زمان، بهبود کیفیت محیط زیست، یا کاهش تلفات جانی و مالی باشند. این نوع سرمایه‌گذاری‌ها در بخش‌های مختلف انرژی، از جمله نفت و گاز و صنعت برق، نقش اساسی در بهبود زیرساخت‌ها، افزایش کارایی، و کاهش هزینه‌ها دارند و برای جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی بستری قانونی و تضمین‌شده فراهم می‌کنند (شیروی و حسن‌خان‌لو، ۱۴۰۲: ۱۵ - ۳۰).

طبق بند «الف» ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر، طرح‌های سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز شامل پروژه‌های مختلف می‌شود. این پروژه‌ها عبارت‌اند از افزایش ظرفیت تولید نفت خام و گاز و میعانات گازی با اولویت مخازن مشترک،

افزایش ظرفیت پالایش نفت خام و میعانات گازی، و افزایش تولید محصولات پتروشیمی. همچنین، طرح‌های ذخیره‌سازی نفت خام و میعانات گازی و گاز طبیعی در مخازن مشترک و غیر مشترک داخل کشور، ذخیره‌سازی گاز در فصول کم‌مصرف برای استفاده در فصول پرمصرف، و تبدیل درجای نفت و گاز و میعانات گازی به محصول یا برق نیز در این حوزه قرار دارند. علاوه بر این، تزریق گاز به میادین داخلی، رشد صادرات، عبور و معاوضه نفت خام و میعانات گازی و گاز و فرآورده‌های نفتی، جلوگیری از سوختن گازهای همراه نفت و میعانات گازی، و جایگزینی گاز داخلی یا وارداتی با فرآورده‌های نفتی از جمله طرح‌های دیگر هستند. در نهایت، همه طرح‌هایی که به افزایش تولید یا صرفه‌جویی در مصرف نفت خام، میعانات گازی، گاز، و فرآورده‌های نفتی منجر شوند در این دسته قرار دارند.

طبق بند «ب» ماده ۱۲، طرح‌های موضوع این ماده در بخش بهینه‌سازی و مصرف انرژی شامل طرح‌هایی می‌شود که به بهینه‌سازی مصرف انرژی در بخش‌های مختلف اختصاص دارند. این طرح‌ها با اولویت صنایع انرژی‌بر، حمل‌ونقل عمومی و ریلی درون‌شهری و برون‌شهری، و ساختمان‌ها برنامه‌ریزی می‌شوند. همچنین، توسعه استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر، گسترش استفاده از گاز طبیعی فشرده یا مایع یا گاز مایع‌شده با اولویت در شهرهای بزرگ و مسیرهای اصلی بین‌شهری، تولید و جایگزینی خودروهای کم‌مصرف یا برقی به جای خودروهای پرمصرف و فرسوده، و کاهش هزینه‌های حمل بار و مسافر در بخش‌های مختلف حمل‌ونقل از جمله ریلی، جاده‌ای، دریایی، و هوایی به‌ویژه در زمینه زیرساخت‌ها و وسایل حمل‌ونقل از دیگر موضوعات این طرح‌ها هستند. این طرح‌ها همچنین می‌توانند به کاهش گازهای گلخانه‌ای و ارتقای ماشین‌آلات و واحدهای تولیدی بخش کشاورزی کمک کنند.

طبق بند «پ» ماده ۱۲، طرح‌های موضوع این ماده در بخش برق شامل طرح‌هایی برای افزایش ظرفیت نیروگاه‌ها و استفاده بهینه از حداکثر امکانات موجود کشور و کاهش وابستگی تولید برق به گاز و نفت هستند. این طرح‌ها شامل احداث و توسعه نیروگاه‌های حرارتی زغال‌سوز، تبدیل برج‌های تر به برج‌های خشک در نیروگاه‌ها^۱، احداث نیروگاه‌هایی با بازدهی بالا، افزایش تولید و بازدهی حرارتی نیروگاه‌ها و به‌ویژه نصب بخش بخار در نیروگاه‌های چرخه ترکیبی (سیکل ترکیبی) شامل ترکیب برق و گرما (CHP) و ترکیب برق، سرما و گرما (CCHP)، و مولدهای مقیاس کوچک (DG) هستند. همچنین، توسعه استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر، کاهش تلفات انرژی در تولید، انتقال و توزیع، بهینه‌سازی و صرفه‌جویی در مصرف برق و انرژی، برقی کردن چاه‌های کشاورزی با اولویت استفاده از منابع انرژی‌های نو، به‌ویژه انرژی خورشیدی، جایگزینی مصرف برق به جای گاز یا فرآورده‌های نفتی در مناطقی که توجیه اقتصادی دارد، و افزایش سهم صادرات و عبور (ترانزیت) برق از دیگر اهداف این طرح‌ها هستند. علاوه بر این، تولید برق از تلفات گاز و سوخت کارخانجات نیز از جمله اقدامات مطرح در این بخش است.

ماده ۱۲ قرارداد خاصی را برای سرمایه‌گذاری معین نکرده است. اما چارچوب کلی آن قراردادهای مقرر کرده است. طبق این ماده، دولت موظف است کالاهای یا خدمات تولیدشده یا صرفه‌جویی‌شده و منافع یا ارزش حاصل از آن‌ها را خریداری کند. این خرید باید از محل درآمد، صرفه‌جویی، منافع، یا ارزش حاصله انجام شود و دولت باید اصل و سود سرمایه‌گذاری و هزینه‌های مربوط را به سرمایه‌گذاران پرداخت کند. در اجرای این تعهد کلی، موارد زیر باید رعایت شود:

- در مواردی که سرمایه‌گذاری منجر به افزایش درآمد عمومی یا کاهش هزینه‌های عمومی شود، تعهد بازپرداخت اصل و سود سرمایه‌گذاری و هزینه‌های مرتبط با آن به میزان و ترتیبی که به تصویب شورای اقتصاد می‌رسد به عهده دولت قرار می‌گیرد. این امر به این معنی است که دولت موظف است طبق مصوبات شورای اقتصاد مبالغی را که سرمایه‌گذار برای اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری متحمل شده است از محل افزایش درآمد یا کاهش هزینه‌ها بازپرداخت کند.
- وزارتخانه‌های ذی‌ربط موظف‌اند توجیه فنی و اقتصادی و زیست‌محیطی، زمان‌بندی اجرا، بازپرداخت، و سقف تعهد دولت در هر طرح سرمایه‌گذاری را به تصویب شورای اقتصاد برسانند.
- وزارت نفت موظف است حقوق متعلق به سرمایه‌گذار را مطابق مصوبه شورای اقتصاد از محل افزایش درآمد حال یا آتی یا کاهش هزینه‌ها به قیمت‌های صادراتی یا وارداتی (برای سوخت) پرداخت کند و هم‌زمان مبلغ را به حساب بدهکار

۱. این موارد به موجب ماده ۱ قانون حمایت از صنعت برق کشور مصوب ۱۰ آبان ۱۳۹۴ به بند «پ» ماده ۱۲ اضافه شده است.

- دولت (خزانه‌داری کل کشور) منظور و تسویه کند.
- وزارت نیرو نیز موظف است حقوق متعلق به سرمایه‌گذار را طبق مصوبه شورای اقتصاد از محل افزایش درآمد حال یا آتی یا کاهش هزینه‌ها پرداخت کند و همانند وزارت نفت مبلغ را به حساب بدهکار دولت (خزانه‌داری کل کشور) منظور و تسویه کند.
- ارزش سوخت یا انرژی صرفه‌جویی‌شده باید بر اساس نوع و ترکیب سوخت مصرفی در دوره یک سال قبل از انعقاد قرارداد و طبق قیمت‌های صادراتی یا وارداتی محاسبه و منظور شود.
- میعانات گازی، فرآورده‌های نفتی، و کالاها و خدمات قابل صادرات یا واردات مانند برق به قیمت‌های صادراتی یا وارداتی طبق نرخ روز ارز بازار آزاد محاسبه می‌شود.
- سرمایه‌گذار در صورت تمایل می‌تواند کالاها یا خدمات تولیدشده یا صرفه‌جویی‌شده را در داخل یا خارج از کشور به فروش برساند.
- اولویت با سرمایه‌گذاری است که نفت خام، میعانات گازی، یا فرآورده‌های نفتی را برای تسویه تعهدات دولت قبول می‌کنند.
- وزارتخانه‌ها در صورت نیاز می‌توانند برق، گاز، فرآورده‌های نفتی، و سایر کالاها و خدمات یارانه‌ای تولیدشده یا صرفه‌جویی‌شده را از سرمایه‌گذار غیر دولتی، حسب مورد به قیمت‌های صادراتی یا وارداتی (برای سوخت) و برای سایر موارد به قیمت‌های غیر یارانه‌ای خریداری کنند.

قراردادهای بیع متقابل و آی‌پی‌سی

سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در عملیات تولید نفت و گاز تنها از طریق انعقاد قرارداد با شرکت ملی نفت ایران ممکن است (شیروی: ۱۴۰۲: ۲۹۱ - ۳۱۸). از برنامه دوم توسعه، قانون‌گذار به شرکت ملی نفت ایران اجازه داده است تا برای توسعه میادین نفت و گاز از روش بیع متقابل استفاده کند. در قراردادهای بیع متقابل، پیمانکار موظف است منابع مالی مورد نیاز برای توسعه میدان را تأمین کند و عملیات توسعه را تحت نظارت و هدایت شرکت ملی نفت انجام دهد. زمانی که میدان به تولید مشخص‌شده در قرارداد رسید بخشی از عواید حاصل از تولید برای جبران هزینه‌ها و سود پیمانکار به وی تخصیص می‌یابد (Shiravi & Ebrahimi, 2006: 199-206).

قراردادهای بیع متقابل از قراردادهای نسبتاً کوتاه‌مدت در بخش بالادستی صنعت نفت محسوب می‌شوند. پیمانکار در یک دوره سه تا پنج ساله میدان را توسعه می‌دهد و پس از آن میدان را برای بهره‌برداری به شرکت ملی نفت تحویل می‌دهد. در این مدت، بخشی از عواید میدان (که ممکن است تا شصت درصد از عواید باشد) برای جبران هزینه‌ها و پرداخت حق الزحمه پیمانکار به وی اختصاص می‌یابد. این تسویه می‌تواند از طریق تحویل محصول یا پرداخت نقدی به پیمانکار انجام گیرد.

متعاقباً، به دلیل عدم جذابیت قراردادهای بیع متقابل و محدودیت‌های موجود در کوتاه‌مدت بودن این نوع قراردادها، روش‌های جدید قراردادی برای جذب سرمایه‌گذاران و ارتقای بهره‌وری صنعت بالادستی نفت و گاز در نظر گرفته شد. مثلاً، در جزء ۳ بند «ت» ماده ۳ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب ۱۳۹۱، قانون‌گذار بر طراحی «الگوهای جدید قراردادی» تأکید کرده است.^۱ این الگوهای جدید قراردادی در حقیقت به قراردادهای بالادستی نفتی اشاره دارند که متفاوت از قراردادهای بیع متقابل هستند و هدف آن‌ها جذب سرمایه‌گذاران و بهبود فرایند توسعه میادین نفت و گاز است.

۱. «جذب و هدایت سرمایه‌های داخلی و خارجی به منظور توسعه میادین هیدروکربوری با اولویت میادین مشترک از طریق طراحی الگوهای جدید قراردادی از جمله مشارکت با سرمایه‌گذاران و پیمانکاران داخلی و خارجی بدون انتقال مالکیت نفت و گاز موجود در مخازن و با رعایت موازین تولید صیانت‌شده» جزء وظایف و اختیارات وزارت نفت است.

در ماده ۷ این قانون نیز پیش‌بینی شده است که شرایط عمومی قراردادهای نفتی با پیشنهاد وزیر نفت و تأیید هیئت وزیران تصویب شود. این گام‌ها نشان‌دهنده تلاش‌های قانون‌گذار برای اصلاح و بهبود ساختار قراردادهای نفتی با هدف افزایش جذابیت برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی و همچنین بهره‌برداری بهتر از منابع نفت و گاز کشور است.

بر اساس این مجوز قانونی، وزارت نفت «شرایط عمومی، ساختار، و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز» را تدوین و به تصویب هیئت وزیران رسانده است. این شرایط تاکنون چندین بار اصلاح شده و چارچوب و الزامات قراردادهای بالادستی را بدون اشاره به نوع خاصی از قرارداد تعیین می‌کند.^۱

پیش از تصویب این شرایط عمومی، قراردادهای بیع متقابل رایج‌ترین نوع قرارداد در صنعت بالادستی نفت و گاز ایران بودند. برای تمایز میان قراردادهای جدید و قراردادهای بیع متقابل، اصطلاح آی‌پی‌سی (IPC) در ادبیات رایج شد؛ اگرچه این اصطلاح به طور رسمی در مقررات قانونی به کار نرفته و دلالت بر مفهوم حقوقی مشخصی ندارد که ماهیت دقیق این قراردادها را توضیح دهد. در حال حاضر، انعقاد قراردادهای بالادستی نفت و گاز تنها در چارچوب «شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز»، که توسط وزارت نفت تدوین شده و به تصویب هیئت وزیران رسیده است، امکان‌پذیر است.^۲ اگرچه قراردادهای بیع متقابل به طور کامل از دستور کار خارج نشده‌اند، استفاده از این نوع قرارداد تنها در موارد خاص و با اخذ مجوز موردی از وزیر نفت مجاز است.^۳ عمده قراردادهایی که شرکت ملی نفت ایران در چارچوب این شرایط با پیمانکاران و سرمایه‌گذاران منعقد کرده است قراردادهای خدماتی موسوم به آی‌پی‌سی (IPC) هستند.

هر دو نوع قرارداد، یعنی بیع متقابل و آی‌پی‌سی، در دسته قراردادهای خدماتی قرار می‌گیرند.^۵ در این مدل‌ها، طرف دوم قرارداد (پیمانکار) بیش از آنکه به عنوان سرمایه‌گذار مستقل شناخته شود به عنوان پیمانکاری عمل می‌کند که خدماتی را برای کارفرما (شرکت ملی نفت ایران) ارائه می‌دهد. یکی از مهم‌ترین این خدمات تأمین منابع مالی مورد نیاز پروژه است.

پیمانکار در این قراردادها نسبت به منابع نفت و گاز موجود در مخزن، چاه‌ها، تأسیسات تحت‌الارضی، و سطح‌الارضی که ایجاد کرده است هیچ‌گونه حق مالکیتی ندارد. سود و بازگشت سرمایه پیمانکار مشروط به تحقق اهداف تولید تعیین‌شده در قرارداد است. در صورت تحقق این اهداف، هزینه‌ها و حق‌الزحمه پیمانکار بر اساس یک ارز خارجی مانند دلار محاسبه می‌شود و از طریق اختصاص بخشی از عواید حاصل از پروژه در بازه زمانی معین جبران می‌شود. این مکانیسم پرداخت ریسک سرمایه‌گذاری را برای پیمانکار کاهش می‌دهد. اما همچنان وی را در زمره ارائه‌دهندگان خدمات قرار می‌دهد، نه سرمایه‌گذاران و مالکان.

قراردادهای آی‌پی‌سی (IPC)، اگرچه بر مبنای مشابه با قراردادهای بیع متقابل استوار هستند، در چند جنبه اساسی تفاوت‌هایی دارند که آن‌ها را به گزینه‌ای جذاب‌تر و انعطاف‌پذیرتر برای پیمانکاران تبدیل کرده است. اصول حاکم بر این نوع قراردادها، همانند بیع متقابل، در قوانین بالادستی نظیر بند «ب» ماده ۱۴ قانون برنامه چهارم توسعه و ماده ۳ شرایط عمومی، ساختار، و

۱. شرایط عمومی، ساختار، و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز ابتدا طی مصوبه شماره ۱۰۴۰۸۹/ت۵۲۴۴۵ مورخ ۱۱ بهمن ۱۳۹۴ به تصویب هیئت وزیران رسید. به دلیل انتقادات گسترده از مفاد این مصوبه و اشکالات متعددی که در آن وجود داشت، مصوبه یادشده کنار گذاشته شد و به جای آن تصویب‌نامه شماره ۵۷۲۲۵/ت۵۲۳۶۷ مورخ ۱۶ مرداد ۱۳۹۵ ابلاغ شد. کمتر از یک ماه بعد مصوبه یادشده مجدداً اصلاح شد. همچنین به موجب تصویب‌نامه شماره ۳۴۸۶۲/ت۵۴۴۰۷ مورخ ۲۷ خرداد ۱۳۹۶ هیئت وزیران تبصره ۴ به بند «الف» ماده ۴ شرایط عمومی، ساختار، و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز اضافه شد.

۲. در قانون برنامه هفتم، علاوه بر قراردادهای خدماتی متداول، مانند بیع متقابل و آی‌پی‌سی (IPC)، راهکارهای جدیدی نیز برای توسعه میادین نفت و گاز پیش‌بینی شده است. از جمله این روش‌ها می‌توان به قراردادهای مشارکت در تولید (Production Sharing Contracts) برای میادین مشترک و اعطای پروانه‌های بهره‌برداری برای طرح‌های جدید اشاره کرد.

۳. ماده ۱۲ شرایط عمومی، ساختار، و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز به شرکت ملی نفت ایران اجازه داده است در صورت ضرورت پس از اخذ مجوز موردی از وزیر نفت با رعایت ماده ۱ (جز بند «ظ» این ماده)، ماده ۳ (جز بند «ث» این ماده)، تبصره ۲ بند «الف» و بندهای «ب» و «پ» ماده ۴، ماده ۵، تبصره ذیل بند «پ» ماده ۶، و مواد ۸ و ۹ و ۱۰ نسبت به عقد قرارداد بیع متقابل برای توسعه میدان یا مخزن کشف‌شده و توسعه‌نیافته اقدام کند. در این قراردادها شرکت ملی نفت ایران مجاز است با رعایت مفاد بند «پ» ماده ۶ نسبت به بازپرداخت هزینه‌های مستقیم و هزینه‌های غیر مستقیم به همراه هزینه‌های تأمین مالی و نیز پرداخت حق‌الزحمه (Remuneration) متعلقه به طرف دوم قرارداد به روال معمول در قراردادهای منعقد شده مشابه در جدول زمانی توافق‌شده در قرارداد اقدام کند.

4. iranian petroleum contracts (IPC)

5. service contracts

الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز تبیین شده است. با این حال، تغییرات اصلی این قراردادها نسبت به بیع متقابل در چند زمینه قابل توجه است.

در قراردادهای آی پی سی، برخلاف بیع متقابل که صرفاً به مرحله توسعه محدود می‌شد، چرخه کامل فعالیت‌های بالادستی شامل اکتشاف، توسعه، و بهره‌برداری در نظر گرفته می‌شود. این ویژگی انعطاف بیشتری برای مدیریت میادین ایجاد می‌کند. همچنین، مدت زمان قراردادها در آی پی سی طولانی‌تر است و پیمانکار می‌تواند تا ۲۰ سال در میدان حضور داشته باشد که این موضوع انگیزه بیشتری برای سرمایه‌گذاری در فناوری‌ها و بهبود ضریب بازیافت^۱ فراهم می‌کند.

در این نوع قراردادها، دستمزد پیمانکار به میزان تولید میدان مرتبط است؛ به گونه‌ای که افزایش تولید به معنای افزایش دستمزد پیمانکار خواهد بود. این ساختار پیمانکار را به کارآمدتر کردن عملیات و بهره‌برداری بهتر از میدان ترغیب می‌کند. علاوه بر این، در قراردادهای آی پی سی پیمانکار نه تنها بهره‌برداری از میدان را بر عهده می‌گیرد، بلکه ممکن است در طول دوره بهره‌برداری به اجرای فازهای جدید توسعه یا بهبود ضریب بازیافت میدان نیز اقدام کند. این موضوع مدیریت یکپارچه میدان و ارتقای سطح تولید را امکان‌پذیر می‌سازد.

قراردادهای آی پی سی با افزودن شمول اکتشاف و بهره‌برداری، افزایش مدت زمان قرارداد، مرتبط کردن دستمزد پیمانکار به تولید، و واگذاری مسئولیت بهره‌برداری به پیمانکار از انعطاف و کارآمدی بیشتری نسبت به بیع متقابل برخوردار هستند. این تغییرات با هدف جذب سرمایه‌گذاران و ارتقای بهره‌وری در توسعه و مدیریت میادین نفت و گاز صورت گرفته است.^۲

در قراردادهای بیع متقابل و آی پی سی، اگرچه هدف اصلی ایجاد شفافیت و جذب سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز است، محدودیت‌هایی در ساختار و اجرای این قراردادها موجب کاهش جذابیت آن‌ها برای سرمایه‌گذاران شده است. یکی از مسائل اصلی این قراردادها عدم تعلق حق مالکیت یا حقوق دائمی به پیمانکار نسبت به چاه‌ها، تأسیسات، یا خود منابع نفت و گاز است. این ویژگی که از اصول قراردادهای خدماتی محسوب می‌شود ممکن است با هدف حفظ حاکمیت ملی بر منابع طبیعی تفسیر شود. اما در عین حال موجب کاهش انگیزه پیمانکاران برای سرمایه‌گذاری بلندمدت و تأمین مالی می‌شود.

همچنین، عدم تضمین اختصاص محصول به پیمانکار یک عامل ریسک‌آفرین مهم است. در این قراردادها، شرکت ملی نفت ایران اختیار دارد برای جبران هزینه‌ها و پرداخت حق الزحمه یا نفت به پیمانکار اختصاص دهد یا به صورت نقدی مبالغ استحقاقی را پرداخت کند. این عدم اطمینان در نحوه بازپرداخت جذابیت قراردادها را برای سرمایه‌گذاران کاهش می‌دهد و تأمین مالی پروژه‌ها را پیچیده‌تر می‌کند. این موضوع به‌ویژه در شرایطی که نوسانات قیمت نفت و تحریم‌های اقتصادی وجود دارد تأثیر مضاعف خواهد داشت.

افزون بر این، دخالت گسترده کارفرما در همه مراحل اجرای پروژه و حتی فرایند بازپرداخت موجب محدود شدن استقلال عملیاتی پیمانکار می‌شود. این مسئله، علاوه بر افزایش پیچیدگی‌های اجرایی، می‌تواند منجر به تأخیر در تصمیم‌گیری‌ها و افزایش هزینه‌های غیرضروری شود. چنین دخالت‌هایی همچنین اعتماد سرمایه‌گذاران را به امکان مدیریت کارآمد پروژه‌ها کاهش می‌دهد.

ریسک بالای این قراردادها، همراه با مشکلات در تأمین مالی و نبود مشوق‌های کافی برای سرمایه‌گذاری، از دلایل اصلی عدم موفقیت این مدل‌ها در جذب سرمایه‌گذاری کافی است. بازنگری در این ساختارها و ایجاد تعادل میان حفظ حاکمیت ملی بر منابع و افزایش جذابیت برای سرمایه‌گذاران می‌تواند در بهبود وضعیت مؤثر باشد. این تغییرات می‌تواند شامل تضمین‌هایی در بازپرداخت، کاهش دخالت‌های کارفرما، و ارائه مشوق‌های مالی یا عملیاتی باشد که جذابیت قراردادها را افزایش دهد (شیری، ۱۴۰۲).

1. enhanced oil recovery (EOR); improved oil recovery (IOR)

۲. ماده ۱۱ شرایط عمومی، ساختار، و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز.

مشارکت عمومی- خصوصی

حوزه انرژی تحت سلطه دولت و شرکت‌های دولتی قرار دارد و حامل‌های انرژی به صورت یارانه‌ای و با قیمت‌های پایین عرضه می‌شود. این شرایط سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در طرح‌های انرژی را بدون حمایت و مداخله دولت غیرقابل توجیه اقتصادی می‌کند و استقبال کمی از سوی بخش خصوصی برای مشارکت در این پروژه‌ها وجود دارد. برای جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، یکی از راهکارهای مؤثر استفاده از مدل مشارکت عمومی- خصوصی است.^۱

مشارکت عمومی- خصوصی به ترتیبات قراردادی اشاره دارد که در آن دولت یا نهادهای عمومی مانند شهرداری‌ها با ارائه حمایت‌هایی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را اقتصادی و جذاب می‌کنند.^۲ این مدل به عنوان چارچوبی انعطاف‌پذیر شناخته می‌شود و شامل طیف وسیعی از قراردادهای و ترتیبات است (IBRD, 2017: 62).

دولت یا بخش عمومی از طریق روش‌هایی مانند تأمین بخشی از هزینه‌های مالی طرح، خرید تضمینی محصولات یا خدمات تولیدشده، ارائه زمین یا زیرساخت‌های اولیه، تأمین خوراک یا منابع اولیه با شرایط ترجیحی، و اعطای وام‌های کم‌بهره یا بلندمدت به کاهش ریسک سرمایه‌گذاری و افزایش جذابیت اقتصادی پروژه‌ها کمک می‌کند. این اقدامات امنیت درآمد و بازگشت سرمایه برای بخش خصوصی را تضمین می‌کنند و موجب افزایش تمایل برای مشارکت در پروژه‌های حوزه انرژی می‌شوند.

مشارکت عمومی- خصوصی انعطاف لازم برای طراحی مدل‌های متناسب با هر پروژه را فراهم می‌آورد. مثلاً، در مدل‌های BOT (ساخت، بهره‌برداری، انتقال) بخش خصوصی پروژه را توسعه می‌دهد و از آن بهره‌برداری می‌کند و سپس آن را به دولت واگذار می‌کند. در مدل‌های دیگر، مانند BOO (ساخت، بهره‌برداری، مالکیت)، مالکیت پروژه در اختیار بخش خصوصی باقی می‌ماند (شیروی، ۱۴۰۲).^۳

این مدل‌ها با ایجاد توازن بین منافع دولت و بخش خصوصی ابزار مؤثری برای توسعه طرح‌های انرژی هستند. موفقیت در این زمینه مستلزم سیاست‌گذاری دقیق، چارچوب‌های قانونی شفاف، و ارائه مشوق‌های عملیاتی و مالی کارآمد است که سرمایه‌گذاران خصوصی را برای مشارکت در پروژه‌ها ترغیب کند. این رویکرد می‌تواند نه تنها منجر به افزایش سرمایه‌گذاری شود، بلکه بهره‌وری و استفاده بهینه از منابع انرژی کشور را نیز تضمین کند.

در چارچوب مشارکت عمومی- خصوصی، قراردادی میان یک دستگاه عمومی یا دولتی و یک متقاضی غیر دولتی منعقد می‌شود که به موجب آن طرح‌های عمومی یا زیرساختی با مشارکت بخش خصوصی اجرا می‌شود.

مشارکت عمومی- خصوصی انعطاف لازم برای طراحی مدل‌های متناسب با هر پروژه را فراهم می‌آورد. مثلاً، در ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی بند «الف» تبصره ۴ قانون بودجه سال ۱۴۰۲ کل کشور مدلی از این نوع توافقات معرفی بدین شرح معرفی شده است: ساخت، بهره‌برداری، و واگذاری (BOT)؛ ساخت، بهره‌برداری، پرداخت اجاره، و انتقال (BOLT)؛ ساخت، پرداخت اجاره، و انتقال (BLT)؛ ساخت، مالکیت، و بهره‌برداری (BOO)؛ تجهیز و بازسازی، مالکیت، و بهره‌برداری (ROO)؛ تجهیز و بازسازی، بهره‌برداری، پرداخت اجاره، و انتقال (ROLT)؛ تجهیز و بازسازی، پرداخت اجاره، و انتقال (RLT)؛ تجهیز و بازسازی، بهره‌برداری، و انتقال (ROT)؛ مدیریت بهره‌برداری و نگهداری (OM)؛ بیع متقابل.

این مدل‌ها بازتاب‌دهنده انعطاف‌پذیری قراردادهای مشارکت عمومی- خصوصی هستند و امکان بهره‌برداری حداکثری از توانایی‌های بخش خصوصی و منابع بخش دولتی را فراهم می‌کنند. همچنین، انتهای ماده ۴ آیین‌نامه تأکید می‌کند که این فهرست محدود نیست و سایر روش‌های متناسب با نوع طرح نیز می‌توانند در قالب این مدل‌ها تنظیم شوند.

1. public-private partnership (PPP)

۲. در آیین‌نامه اجرایی بند «الف» تبصره ۴ ماده واحده قانون بودجه سال ۱۴۰۲ کل کشور قرارداد مشارکت چنین تعریف شده است: «قراردادی که طی آن مسئولیت‌ها و تعهدات متقابل سرمایه‌پذیر (طرف عمومی) و سرمایه‌گذار (طرف خصوصی) به منظور تأمین کالاها و یا خدمات مورد نظر و بازگشت اصل و سود سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذار (طرف خصوصی) از محل منافع دوره بهره‌برداری و حمایت‌ها و نحوه پوشش خطرات حسب ضرورت به صورت شفاف مشخص می‌شود».

۳. در شیوه‌نامه اجرایی بند «ج» تبصره ۷ ماده واحده قانون بودجه سال ۱۴۰۳ کل کشور امکان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در قالب قراردادهای ساخت، بهره‌برداری، انتقال (BOT) پیش‌بینی شده است.

این انعطاف‌پذیری امکان طراحی قراردادهایی را فراهم می‌آورد که به بهترین نحو با اهداف طرح، نیازهای دستگاه دولتی، و ظرفیت‌های بخش خصوصی سازگار باشند. در نتیجه، مشارکت عمومی-خصوصی ابزاری برای توسعه زیرساخت‌ها، افزایش بهره‌وری، و کاهش فشار مالی بر بودجه عمومی محسوب می‌شود.

در ترتیبات مشارکت عمومی-خصوصی، سرمایه‌گذار معمولاً یک شرکت خاص تحت عنوان «شرکت پروژه» تأسیس می‌کند تا منابع مالی لازم را تأمین و طرح مورد نظر را اجرا و سپس بهره‌برداری کند. این شرکت پروژه می‌تواند یکی از انواع شرکت‌های سهامی عام، سهامی خاص، یا تضامنی باشد که طبق قوانین جاری کشور ثبت و تأسیس می‌شود. شرکت پروژه عمدتاً برای اجرا و مدیریت یک طرح خاص تشکیل می‌شود و پس از اتمام و تحویل موفقیت‌آمیز پروژه شرکت منحل خواهد شد. این نوع ساختار شرکتی به منظور تضمین تمرکز کامل بر پروژه و محدود کردن فعالیت‌های شرکت به همان طرح خاص ایجاد می‌شود.

در قراردادهای مشارکت عمومی-خصوصی بین بخش دولتی یا عمومی و بخش خصوصی دولت معمولاً تعهداتی را به عهده می‌گیرد که برخی از مهم‌ترین آن تعهدات بدین شرح است (شیروی و خدادادپور، ۱۳۹۳: ۲۲۷ - ۲۶۱):

نخست، دولت تأسیساتی را که قرار است توسط شرکت پروژه تأمین مالی و احداث شود پیش‌خرید می‌کند. این بدین معنی است که قبل از آغاز ساخت پروژه دولت تصمیم می‌گیرد تأسیسات یا تجهیزات مورد نیاز را خریداری کند. در این نوع قراردادها، نحوه پرداخت ثمن معامله و تعداد اقساط آن به طور دقیق در قرارداد مشخص می‌شود. مثلاً، اگر قرار باشد خطوط برق فشار قوی از طریق مشارکت عمومی-خصوصی ساخته شود، دولت ممکن است این خطوط را پیش‌خرید کند و سپس مطابق با توافقات انجام‌شده اقساط مربوط به خرید این تأسیسات را به تدریج در طول دوره زمانی مشخص پرداخت کند. این نوع ترتیبات مالی به بخش خصوصی این امکان را می‌دهد که برای اجرای پروژه‌های بزرگ منابع مالی مورد نیاز خود را تأمین کند و از طرف دیگر بخش دولتی نیز می‌تواند هزینه‌ها را به تدریج و طبق توافقات قرارداد پرداخت کند.

دولت در قراردادهای مشارکت عمومی-خصوصی، علاوه بر پیش‌خرید تأسیسات، تعهدات دیگری نیز به عهده می‌گیرد که می‌تواند تأمین مالی پروژه را تسهیل و به جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی کمک کند. یکی از این تعهدات اجاره بلندمدت برخی از تأسیسات پروژه است. در این حالت، دولت متعهد می‌شود که همه یا بخشی از تأسیسات موضوع قرارداد را به مدت زمان مشخصی اجاره کند. این مدل می‌تواند شامل مواردی مانند اجاره مخازن ذخیره‌سازی نفت یا گاز طبیعی باشد که توسط بخش خصوصی ساخته می‌شود و سپس دولت یا شرکت‌های دولتی مانند شرکت ملی نفت آنها را به صورت بلندمدت و با اجاره‌بهای معین اجاره می‌کنند. این تعهد به اجاره کردن یک جریان نقدی پیش‌بینی‌شده برای پروژه ایجاد می‌کند که به تسهیل تأمین مالی آن کمک می‌کند.

سومین تعهد دولت در چنین قراردادهایی می‌تواند پیش‌خرید کالاها و خدمات تولیدشده از طریق مشارکت عمومی-خصوصی باشد. بر این اساس، دولت متعهد می‌شود که کالاها و خدمات تولیدشده را پیش‌خرید کند یا برای مدت طولانی از تولیدکننده به قیمت‌های توافق‌شده خریداری کند. مثلاً، در پروژه‌های نیروگاهی که توسط بخش خصوصی ساخته می‌شود شرکت توانیر ممکن است متعهد شود برق تولیدی از نیروگاه را برای مدت معین (مثلاً ده سال) پیش‌خرید کند یا آن را به نرخ مشخص خریداری کند. این تعهدات نیز به پروژه‌ها کمک می‌کند تا منابع مالی لازم را از طریق تضمین جریان‌های نقدی آینده تأمین کنند و ریسک مالی کمتری داشته باشند.

چهارمین تعهد دولت در قراردادهای مشارکت عمومی-خصوصی می‌تواند مربوط به طرح‌هایی باشد که به صرفه‌جویی در مصرف انرژی منجر می‌شود. در چنین شرایطی، دستگاه دولتی ذی‌ربط متعهد می‌شود به تناسب میزان صرفه‌جویی حاصل‌شده مبالغی را به صاحبان طرح پرداخت کند. مثلاً، اگر طرح مربوط باعث کاهش مصرف گاز شهری شود، دستگاه دولتی موظف می‌شود مبلغی را به نسبت صرفه‌جویی در مصرف گاز به سرمایه‌گذار یا صاحب طرح پرداخت کند. این تعهد کمک می‌کند تا انگیزه‌های لازم برای توسعه طرح‌های صرفه‌جویی در مصرف انرژی ایجاد شود و به طور غیر مستقیم به مدیریت منابع انرژی کشور نیز کمک می‌کند (شیروی، ۱۴۰۳: ۱۷۱).

پنجمین تعهد دولت ممکن است مربوط به پرداخت مابه‌التفاوت قیمت کالاها و خدمات تولیدی باشد که طبق قانون باید به نرخ تکلیفی و یارانه‌ای عرضه شوند. اگر شرکت پروژه ملزم به عرضه کالاها و خدمات خود به نرخ تکلیفی یا یارانه‌ای باشد، دولت موظف است مابه‌التفاوت قیمت واقعی این کالاها یا خدمات و قیمت تکلیفی را به شرکت پروژه پرداخت کند. این نوع تعهدات باعث می‌شود بخش خصوصی بتواند با اطمینان خاطر بیشتری در پروژه‌های مشارکت عمومی- خصوصی مشارکت کند. زیرا ریسک مالی کمتری نسبت به تغییرات قیمت‌های واقعی و تکلیفی دارد.^۱

قراردادهای تبدیل انرژی

قراردادهای تبدیل انرژی^۲ یکی از مدل‌های قراردادی است که به منظور تشویق سرمایه‌گذاری در احداث و بهره‌برداری نیروگاه‌های برق حرارتی میان بخش دولتی و خصوصی منعقد می‌شود. در این نوع قراردادهای، وزارت نیرو یا شرکت توانیر به عنوان نماینده دولت سوخت مورد نیاز نیروگاه را تأمین می‌کند و در اختیار آن قرار می‌دهد. در مقابل، دولت متعهد می‌شود برق تولیدی نیروگاه را خریداری کند. این خرید بر اساس نرخ‌های مندرج در قرارداد صورت می‌گیرد که معمولاً در طول دوره قرارداد تضمین شده است.

قرارداد تبدیل انرژی مزایای مختلفی برای طرفین دارد. از یک سو، برای سرمایه‌گذار بخش خصوصی تضمین خرید برق به قیمت‌های مشخص و پیش‌بینی شده در قرارداد می‌تواند جذابیت زیادی ایجاد کند. این امر به کاهش ریسک‌های سرمایه‌گذاری کمک می‌کند و از طرف دیگر دولت یا وزارت نیرو نیز از طریق این قرارداد می‌تواند از تأمین پایدار انرژی بهره‌برداری کند؛ درحالی‌که هزینه‌های تولید برق را نیز به طور کنترل‌شده و مطابق با قرارداد مدیریت می‌کند (Sobhiyah & Kashtiban, 2008: 2847).

نکته مهم در قراردادهای تبدیل انرژی تضمین درآمد برای نیروگاه است؛ طوری که بتواند هزینه‌های احداث و بهره‌برداری نیروگاه را توجیه کند. برای تضمین درآمد، شرکت توانیر متعهد می‌شود که یا برق تولیدی را دریافت کند و بهای آن را بپردازد یا حتی اگر به هر دلیلی قادر به دریافت برق نباشد متعهد است بهای آن را طبق شرایط مقرر در قرارداد به نیروگاه پرداخت کند. این نوع قراردادهای به «دریافت یا پرداخت»^۳ معروف‌اند. در این قراردادهای، نرخ برق در صورت عدم دریافت برق ممکن است کمی کمتر از نرخ برق دریافت‌شده باشد. چون در صورت عدم تولید برق هزینه‌های بهره‌برداری کاهش می‌یابد.

با اینکه این قراردادهای ماهیتاً خرید برق هستند و دخالت شرکت توانیر در این قراردادهای باید حداقل باشد، شرکت توانیر یک رابطه کارفرمایی- پیمانکاری در این قراردادهای ایجاد می‌کند که با مفهوم سرمایه‌گذاری مغایرت دارد. بر اساس این رابطه کارفرمایی- پیمانکاری، شرکت توانیر به عنوان کارفرما در مراحل مختلف طراحی و احداث و بهره‌برداری نظارت و کنترل و دخالت می‌کند و بسیاری از امور را مشروط به تأییدیه‌های خود می‌سازد. مثلاً، در یک قرارداد تبدیل انرژی میان شرکت ملی نفت ایران و مپنا برای احداث یک نیروگاه جهت تأمین برق مورد نیاز شرکت نفت حتی انتخاب پیمانکاران احداث و بهره‌برداری نیز باید به تأیید شرکت نفت برسد.

قراردادهای خرید تضمینی برق

برای اینکه احداث نیروگاه از سوی بخش خصوصی توجیه اقتصادی پیدا کند، بخش دولتی طی قراردادی با سرمایه‌گذار متعهد می‌شود که در طول مدت قرارداد برق تولیدی نیروگاه را خریداری کند (Wallace, 2019: 304-333). در این قراردادهای که به

۱. در جزء ۱ بند «الف» ماده ۴ قانون بودجه سال ۱۴۰۲ کل کشور مقرر شده است: «تعیین قیمت تکلیفی و تعرفه‌گذاری برای محصول طرح (پروژه) با رعایت ماده ۹۰ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم (۴۴) قانون اساسی و اصلاحیه مربوط به آن امکان‌پذیر است». ماده ۹۰ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ مقرر می‌کند: «چنانچه دولت به هر دلیل قیمت فروش کالاها یا خدمات بنگاه‌های مشمول واگذاری و یا سایر بنگاه‌های بخش غیر دولتی را به قیمتی کمتر از قیمت بازار تکلیف کند، دولت مکلف است مابه‌التفاوت قیمت تکلیفی و هزینه تمام‌شده را تعیین و از محل اعتبارات و منابع دولت در سال اجرا پرداخت کند و یا از بدهی این بنگاه‌ها به سازمان امور مالیاتی کسر نماید».

2. energy conversion agreements (ECA)

3. take. or. pay

«قراردادهای خرید برق»^۱ یا «قراردادهای خرید تضمینی برق» شهرت دارند دولت خرید برق تولیدی آتی یک نیروگاه را تضمین می‌کند و باید فارغ از اینکه آیا به آن برق نیاز دارد یا می‌تواند از آن استفاده کند بهای آن را پرداخت کند. تعهد دولت به خرید برق محدود به مدت قرارداد است و پس از آن سرمایه‌گذار می‌تواند با توافق بخش دولتی نسبت به تمدید قرارداد اقدام کند یا برق خود را به نحو دیگری در بازار بفروشد یا نیروگاه را جمع‌آوری کند (Thumann, 2009: 93-98).

با توجه به اینکه قرارداد خرید تضمینی برق معمولاً بلندمدت است، در این نوع قراردادها نرخ معینی برای بهای برق درج نمی‌شود، بلکه یک فرمول برای تعیین آن در نظر گرفته می‌شود. گاهی نیز یک قیمت پایه در قرارداد می‌آید و نحوه تعدیل آن در طول مدت قرارداد پیش‌بینی می‌شود. بر اساس مفاد قرارداد، در هر بازه زمانی معین، مثلاً یک ماه، برق تحویل شده اندازه‌گیری و نرخ مقرر در قرارداد با لحاظ تعدیلات لازم اعمال می‌شود. مبلغ قابل پرداخت برای آن دوره نیز محاسبه و سپس پرداخت می‌شود. در قراردادهای خرید تضمینی معمولاً خریدار موظف به خرید و فروشنده موظف به تحویل و فروش برق می‌شود و هر یک که از تعهدات خود تخلف کند در مقابل دیگری مسئول است. اگر خریدار نتواند برق را تحویل بگیرد یا نیازی به آن نداشته باشد، باید بهای آن را پرداخت کند. از سوی دیگر، اگر فروشنده نتواند برق را تولید کند و تحویل دهد، مشمول جریمه خواهد شد.

با این حال، در برخی قراردادهای خرید تضمینی خریدار موظف به خرید برق است؛ اما فروشنده اختیار دارد که برق تولیدی را به طرف قرارداد یا هر خریدار دیگری بفروشد. در چنین شرایطی، اگر خریدار نتواند برق را تحویل بگیرد یا به آن نیاز نداشته باشد، باید بهای آن را پرداخت کند. اما اگر فروشنده نتواند برق تولید کند یا از تحویل برق تولیدی به طرف قرارداد خودداری کند، مشمول جریمه نخواهد شد.

در برخی قراردادهای خرید تضمینی، خریدار نقش کارفرمایی را ایفا می‌کند و بر نحوه احداث و بهره‌برداری نیروگاه نظارت می‌کند. در این نوع قراردادها، سرمایه‌گذار ناچار است در مراحل مختلف احداث و بهره‌برداری از نیروگاه تأییدیه‌های لازم را از خریدار دریافت کند. در این شرایط، خریدار بیش از آنکه بر خرید برق تمرکز داشته باشد بر نحوه احداث نیروگاه و کیفیت آن متمرکز می‌شود.

این نوع دخالت‌های خریدار در فرایندهای احداث و بهره‌برداری ممکن است باعث افزایش ریسک قراردادها شود. زیرا سرمایه‌گذار تحت فشار است تا تغییرات و اصلاحات مدنظر کارفرما را در مراحل مختلف انجام دهد. در نتیجه، این دخالت‌ها می‌تواند جذابیت قراردادهای خرید تضمینی را برای سرمایه‌گذاران کاهش دهد. زیرا ریسک‌های اجرایی و مدیریتی بیشتر و آزادی عمل سرمایه‌گذار محدود می‌شود.

به موجب ماده ۴۴ قانون اصلاح الگوی مصرف، وزارت نیرو از طریق شرکت‌های تابعه خود موظف است خرید برق از تولیدکنندگان را در محل تحویل و به اندازه ظرفیت‌های تولید برق تضمین کند. این ماده به طور خاص به خرید تضمینی برق اشاره دارد و به وزارت نیرو این تکلیف را می‌دهد که تولید برق را از بخش‌های مختلف تأمین و تضمین کند.

همچنین، ماده ۶۱ این قانون در خصوص انرژی‌های تجدیدپذیر تصریح می‌کند که وزارت نیرو موظف است به منظور حمایت از گسترش استفاده از منابع تجدیدپذیر انرژی- شامل انرژی‌های بادی، خورشیدی، زمین‌گرمایی، آبی کوچک (تا ده مگاوات)، دریایی، زیست‌توده (که شامل ضایعات و زائدات کشاورزی، جنگلی، زباله‌ها، فاضلاب شهری، صنعتی، دامی، بیوگاز، و بیومس می‌شود)- اقدام به عقد قراردادهای بلندمدت خرید تضمینی از تولیدکنندگان غیر دولتی برق از این منابع کند. این بند به وضوح نشان‌دهنده سیاست دولت برای تشویق سرمایه‌گذاری در بخش انرژی‌های تجدیدپذیر است و تلاش دارد با ایجاد قراردادهای بلندمدت و تضمینی شرایط مالی و اقتصادی برای تولیدکنندگان این نوع انرژی‌ها را تسهیل کند.

با توجه به کاهش مستمر ارزش ریال در کشور و به منظور جلوگیری از تبعات منفی آن برای سرمایه‌گذاران، این قراردادها معمولاً به ارزهای خارجی مانند دلار یا یورو منعقد می‌شوند. ولی پرداخت‌ها به صورت ریالی انجام می‌گیرد. یکی از چالش‌ها و ریسک‌های اصلی این قراردادها نرخ تبدیل ارز موضوع قرارداد به ریال است. این تبدیل معمولاً به نرخ رسمی انجام می‌شود که تحت کنترل دولت قرار دارد و اغلب پایین‌تر از نرخ بازار آزاد است.

شیوه‌نامه تأمین مالی قراردادهای بالادستی نفت و گاز

با توجه به مفاد قراردادهای بیع متقابل و آی‌پی‌سی (IPC)، که امکان وثیقه‌گذاری و واگذاری مطالبات به تأمین‌کنندگان مالی وجود نداشت، «شیوه‌نامه تأمین مالی قراردادهای بالادستی نفت و گاز» توسط شورای ملی تأمین مالی تصویب و ابلاغ شد^۱ تا با فراهم آوردن سازکارهای جدید موانع موجود برطرف و تأمین مالی این طرح‌ها تسهیل شود. این مصوبه برای شرکت‌های اکتشاف و تولید ایرانی طراحی شده است تا بتوانند از طریق نهادهای مالی^۲ منابع مورد نیاز برای قراردادهای بالادستی تولید نفت و گاز را تأمین کنند.

در این شیوه‌نامه به شرکت ملی نفت ایران اختیار داده شده است که بتواند امکان وثیقه‌گذاری کالاها، مصالح، تجهیزات، تأسیسات، و مستحقات نزد تأمین‌کننده مالی را فراهم کند و از طریق ابزارهایی مانند گواهی تعهد پرداخت و گواهی سپرده کالایی بازپرداخت تسهیلات اخذشده از نهادهای مالی را تضمین کند.

توثیق اموال و مستحقات

بر اساس قراردادهای بیع متقابل و آی‌پی‌سی (IPC) همه کالاها، مصالح، تجهیزات، تأسیسات، و مستحقات مرتبط با طرح‌های بالادستی نفت و گاز که توسط پیمانکاران (سرمایه‌گذاران) خریداری یا نصب می‌شدند به مالکیت شرکت ملی نفت ایران درمی‌آمدند و بدین ترتیب امکان وثیقه‌گذاری این اقلام برای تأمین مالی وجود نداشت. این موضوع، فرایند تأمین مالی این طرح‌ها را با چالش‌هایی در زمینه وثیقه‌گذاری مواجه کرده بود.

ماده ۲ شیوه‌نامه این امکان را فراهم می‌کند که، در صورت وجود ظرفیت قراردادی، سرمایه‌گذار (پیمانکار) کالاها و تجهیزات و اموال مورد نیاز طرح بالادستی را، اعم از داخلی و خارجی، به نام خود خریداری و آن‌ها را برای تأمین مالی طرح به وثیقه گذارد. با هدف ظرفیت‌سازی قراردادی، ماده ۸ شیوه‌نامه به شرکت نفت اجازه داده است ظرفیت‌های قراردادی مورد نیاز برای اجرای این شیوه‌نامه را در قراردادهای آتی خود پیش‌بینی کند و همچنین در مورد قراردادهای منعقدشده و جاری، در صورت درخواست سرمایه‌گذار و موافقت شرکت نفت، این ظرفیت با تنظیم الحاقیه فراهم شود. در ادامه ماده ۲، علاوه بر کالاها و تجهیزات و اموال، امکان وثیقه‌گذاری مستحقات نیز پیش‌بینی شده است.

در این شیوه‌نامه به‌صراحت اجازه داده نشده است که در صورت عدم بازپرداخت اصل و فرع تسهیلات نهاد مالی بتواند تجهیزات و مستحقات توثیق‌شده را تملک کند. بلکه پیش‌بینی شده است که سرمایه‌گذار با ارائه وکالت‌نامه غیر مشروط و بلاعزل به شرکت نفت اجازه دهد تا در صورت عدم ایفای تعهدات مالی از سوی سرمایه‌گذار بدهی‌های وی را از محل مطالبات او به نهاد مالی پرداخت کند. در این صورت، پرداخت‌هایی که شرکت نفت به نهاد مالی انجام می‌دهد به منزله پرداخت مبالغ استحقاقی به سرمایه‌گذار تلقی خواهد شد. از آنجا که اخذ تسهیلات به اتکای توثیق اموال و مستحقات باید در چارچوب قرارداد بالادستی میان سرمایه‌گذار (پیمانکار) و شرکت نفت انجام شود، قرارداد تأمین مالی با نهاد مالی باید به گونه‌ای تنظیم شود که هیچ تناقضی با مفاد قرارداد بالادستی نداشته باشد.

مطابق با ماده ۳ شیوه‌نامه، هرگاه به استناد قراردادهای موجود سرمایه‌گذار کالاها و تجهیزات و اموال طرح را به نام شرکت ملی نفت وارد کرده باشد، شرکت ملی نفت می‌تواند با درخواست سرمایه‌گذار نسبت به توثیق کالاها و تجهیزات و اموال موضوع قرارداد نزد نهاد مالی به منظور تأمین مالی طرح موضوع قرارداد اقدام کند.

۱. با توجه به وظایف شورای ملی تأمین مالی مندرج در بند «ب» ماده ۲ قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها مصوب ۱۴۰۲، به‌ویژه جزء ۱۲ بند «ب» ماده ۲ قانون یادشده، که طراحی و تصویب الگوهای نوین تأمین مالی ویژه طرح‌های دستگاه‌های اجرایی و طرح‌های تملک‌داری‌های سرمایه‌ای و طرح‌های تولیدی و زیربنایی بخش‌های غیر دولتی را مورد تأکید قرار داده است، «شیوه‌نامه تأمین مالی قراردادهای بالادستی نفت و گاز» از سوی شورای ملی تأمین مالی تصویب شد و به موجب بخشنامه شماره ۸۰/۱۵۱۶۲۸ مورخ ۲۱ آبان ۱۴۰۳ وزیر امور اقتصادی و دارایی ابلاغ شد.

۲. طبق بند «س» ماده ۱ شیوه‌نامه، منظور از نهاد مالی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیر بانکی دارای مجوز از بانک مرکزی و نهادهای مالی تعریف‌شده در قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران و سایر نهادهای مالی تعریف‌شده در قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها است.

گواهی تعهد پرداخت

علاوه بر توثیق اموال و مستحذات و در جهت تسهیل تأمین مالی طرح‌های بالادستی نفت و گاز، در شیوه‌نامه تأمین مالی قراردادهای بالادستی نفت و گاز گواهی تعهد پرداخت به عنوان یکی از ابزارهای مالی کلیدی معرفی شده است. این گواهی مدرکی است که توسط شرکت ملی نفت ایران صادر می‌شود تا میزان مطالبات تأیید و سررسید شده یا سررسید نشده سرمایه‌گذار در قرارداد بالادستی را نشان دهد. این گواهی شامل اطلاعاتی است در مورد شرایط زمانی و قراردادی پرداخت یا بازپرداخت بدهی‌ها و به درخواست سرمایه‌گذار می‌تواند شامل تعهد شرکت در واریز مطالبات تأیید شده در سررسید قراردادی به نهاد مالی نیز باشد.

گواهی تعهد پرداخت به عنوان سندی معتبر مطالبات سرمایه‌گذار از شرکت نفت را تأیید می‌کند و زمان‌بندی دقیق پرداخت یا بازپرداخت آن‌ها را مشخص می‌سازد. این گواهی به نهادهای مالی اطمینان می‌دهد که شرکت ملی نفت ایران متعهد به پرداخت بدهی‌های تأیید شده سرمایه‌گذار است، که این امر به تسهیل فرایند تأمین مالی پروژه‌های نفت و گاز کمک می‌کند. در صورت درخواست سرمایه‌گذار، شرکت نفت موظف است حداکثر تا سه ماه پس از تاریخ درخواست گواهی تعهد پرداخت به ارزش هزینه‌های سرمایه‌ای تأیید شده را صادر کند. این گواهی به شرکت نفت امکان می‌دهد پرداخت‌های تأیید شده را در قالب یک گواهی صادر کند و در صورت اعلام نهاد مالی برای تأمین مالی پروژه‌های مورد نظر لحاظ کند. علاوه بر این، گواهی تعهد پرداخت می‌تواند به عنوان یک ابزار مالی قابل توثیق نزد نهادهای مالی یا برای جذب منابع مالی استفاده شود. صدور گواهی تعهد پرداخت از سوی شرکت ملی نفت ایران در طرح‌های بیع متقابل یا آی‌پی‌سی بدون شرط نخواهد بود. زیرا این نوع قراردادها به طور مستقیم با سرمایه‌گذاری مرتبط هستند و بازگشت اصل و فرع سرمایه مشروط به تحقق شرایط خاص، از جمله کافی بودن عواید با لحاظ درصد قابل اختصاص به پیمانکار، است. درج این شروط در گواهی تعهد پرداخت می‌تواند باعث تضعیف اعتبار این گواهی و کاهش اقبال از آن شود.

گواهی سپرده کالایی

گام دیگری که در شیوه‌نامه تأمین مالی قراردادهای بالادستی نفت و گاز برای تسهیل در جذب منابع مالی پیش‌بینی شده است، صدور گواهی سپرده کالایی برای بخشی از نفت خام یا میعانات گازی است که در نتیجه اجرای قراردادهای بالادستی تولید شده و جهت بازپرداخت سرمایه‌گذاری به پیمانکار اختصاص داده شده است.

گواهی سپرده کالایی در شیوه‌نامه به عنوان ابزاری مالی برای تأمین مالی پروژه‌های نفت و گاز و تسهیل فرایند تأمین مالی معرفی شده است. این ابزار مالی که مبتنی بر دارایی پایه نفت است بر اساس مصوبات شورای عالی بورس و اوراق بهادار و مطابق با مقررات شرکت بورس انرژی ایران منتشر می‌شود. گواهی سپرده کالایی به شرکت‌های نفتی و سرمایه‌گذاران این امکان را می‌دهد که دارایی‌های پایه نفتی خود را به عنوان تضمین مالی به نهادهای مالی ارائه دهند یا از آن برای استفاده در بازار سرمایه بهره‌برداری کنند.

در این شیوه‌نامه، شرکت ملی نفت ایران موظف شده است در صورت درخواست سرمایه‌گذار گواهی سپرده کالایی را به کد سرمایه‌گذار تخصیص دهد. این گواهی به سرمایه‌گذار کمک می‌کند که از ظرفیت‌های بازار سرمایه برای تأمین مالی پروژه‌های خود استفاده کند. بر اساس ماده ۵ این شیوه‌نامه، شرکت نفت موظف است نسبت به تخصیص گواهی سپرده کالایی با نرخ مظنه فروش نفت خام یا میعانات گازی خود در نماد معاملاتی مربوط در روز درخواست تا سقف حداکثر ۸۰ درصد مطالبات تأیید شده و سررسید شده سرمایه‌گذار اقدام کند. چنانچه گواهی سپرده کالایی هزینه‌های جانبی داشته باشد، این هزینه‌ها به عهده سرمایه‌گذار خواهد بود.

گواهی سپرده کالایی می‌تواند نزد نهادهای مالی توثیق شود یا برای استفاده در ابزارهای مالی در بازار سرمایه مورد استفاده قرار گیرد. این ویژگی به سرمایه‌گذار این امکان را می‌دهد که از گواهی سپرده کالایی برای تأمین مالی پروژه‌های خود در بازارهای مالی بهره‌برداری کند.

در قراردادهای بیع متقابل و آی‌پی‌سی، صدور گواهی سپرده کالایی از سوی شرکت ملی نفت ایران تنها در موارد محدودی امکان‌پذیر است. پیمانکار (سرمایه‌گذار) زمانی مستحق دریافت مقادیر معینی نفت یا گاز می‌شود که طبق قرارداد مطالبات وی به طور قطعی تعیین شود و شرکت ملی نفت تصمیم بگیرد برای تسویه بخشی از محصولات میدان را به پیمانکار تخصیص دهد. در این قراردادها، مطالبات پیمانکار بر اساس میزان تولید و شرایط مندرج در قرارداد به طور سه‌ماهه تعیین و قطعی می‌شود.

حواله

حواله ابزار مالی دیگری است که در شیوه‌نامه به منظور تسهیل جذب منابع مالی پیش‌بینی شده است. حواله‌ها معمولاً برای انتقال مالکیت و مدیریت دارایی‌های کالایی، از جمله نفت، به کار می‌روند. این ابزار به شرکت‌های اکتشاف و تولید اجازه می‌دهد تا از استحقاق آتی خود از عواید میدان‌های نفتی استفاده و با وثیقه‌گذاری آن منابع مالی لازم برای اجرای طرح‌های خود را تأمین کنند. حواله به گواهی قطعی تحویل محموله نفت خام یا میعانات گازی در موعد مشخص اطلاق می‌شود که توسط شرکت ملی نفت ایران برای تسویه مطالبات تأییدشده قرارداد صادر می‌شود.

بر این اساس، در شیوه‌نامه پیش‌بینی شده است که در صورت درخواست سرمایه‌گذار برای حواله، به منظور تسویه مطالبات تأییدشده و سررسیدنشده، شرکت نفت می‌تواند نسبت به صدور حواله تا سقف ۷۰ درصد مطالبات یادشده اقدام کند و تسویه نهایی در زمان سررسید با قیمت روز انجام خواهد شد.

حواله می‌تواند به عنوان وثیقه یا ابزار مالی در بازار سرمایه مورد استفاده قرار گیرد. بدین ترتیب، شرکت‌های نفتی و سرمایه‌گذاران قادر خواهند بود حواله‌های خود را در بازار بورس به فروش برسانند یا نزد نهادهای مالی وثیقه‌گذاری کنند. به طور خلاصه، حواله به شرکت‌های اکتشاف و تولید و نهادهای مالی این امکان را می‌دهد تا با استفاده از دارایی‌های پایه نفتی خود منابع مالی لازم برای تأمین هزینه‌های پروژه‌های نفت و گاز را جذب کنند. این انتقال مالکیت از طریق حواله می‌تواند فرایند تأمین مالی را سریع‌تر و ساده‌تر کند.

نتیجه

در پایان، می‌توان نتیجه گرفت که سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، اعم از داخلی و خارجی، در حوزه انرژی کشور عمدتاً از طریق انعقاد قراردادهای سرمایه‌گذاری انجام می‌شود. قانون‌گذار به طور گسترده امکان استفاده از روش‌های قراردادی را برای جذب سرمایه‌گذاری در طرح‌های انرژی فراهم کرده است که مهم‌ترین آن‌ها ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر است. این ماده سعی دارد بستری مناسب برای تسهیل سرمایه‌گذاری‌های خارجی در بخش‌هایی که تحت سلطه دولت قرار دارند، از جمله بخش انرژی، ایجاد کند. با این حال، سرمایه‌گذاری به روش قراردادی ماهیتی موقتی به سرمایه‌گذار می‌دهد و آن را تابع ضوابط پیچیده معاملات دولتی می‌سازد. افزون بر این، دستگاه‌ها و سازمان‌های طرف قرارداد، طبق سلايق خود، ریسک‌های متعددی را به سرمایه‌گذاران تحمیل و قراردادهای غیر متوازن به نفع دستگاه دولتی تنظیم می‌کنند که این شرایط انگیزه بخش خصوصی را برای مشارکت و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های انرژی کشور کاهش داده است. در نتیجه، برای جذب بیشتر سرمایه‌گذاری‌های خارجی و ارتقای کیفیت پروژه‌های انرژی ضروری است اولاً شرایط برای سرمایه‌گذاری مستقیم فراهم شود و ثانیاً فرایندهای قراردادی شفاف‌تر و متوازن‌تری طراحی شود و دولت نیز با ارائه مشوق‌ها و تضمین‌های لازم شرایط را برای سرمایه‌گذاران تسهیل کند.

منابع

- شیروی، عبدالحسین (۱۴۰۲). *حقوق نفت و گاز*. چ ۶ تهران: میزان.
- _____ (۱۴۰۳). *حقوق اقتصادی*. چ ۴ تهران: سمت.
- شیروی، عبدالحسین و حسن خانلو، محمدحسین (۱۴۰۲). تأمین مالی مبتنی بر صرفه‌جویی مصرف انرژی در حقوق ایران. *حقوق خصوصی*، ۳۰ (۱)، ۱۵ - ۳۰.
- شیروی، عبدالحسین و خدادادپور، منیره (۱۳۹۳). مشارکت عمومی- خصوصی از منظر قوانین ایران. *حقوق خصوصی*، ۲۱ (۲)، ۲۲۷ - ۲۶۱.
- شیروی، عبدالحسین و علی رضا پوراسماعیلی (۱۳۹۰). بررسی الزام سهم داخل در قوانین و مقررات ایران و تطبیق آن با مقررات سازمان تجارت جهانی». *دادگستری*، ۷۵ (۷۴)، ۴۱ - ۶۸.
- IBRD (International Bank for Reconstruction and Development) (2017). *Public-Private Partnerships Reference Guide* (Version 3.0). USA: World Bank Group.
- Quak, E. (2018). *The Impact of State-Investor Contracts on Development*. UK: Institute of Development Studies.
- Shiravi, A.H. & Ebrahimi, S.N. (2006). Exploration and Development of Iran's Oilfields through Buyback. *Natural Resources Forum*, 30(3), 199-206.
- Shiravi, A.H. & Hassankhanlou, M.H. (2023). Energy Savings-Based Financing in Iranian Law. *Private Law Journal*, 20(1), 15-30. (in Persian)
- Shiravi, A.H. & Khodadadpour, M. (2014). Public-Private Partnership from the Perspective of Iranian Laws. *Private Law Journal*, 11(2), 227-261. (in Persian)
- Shiravi, A.H. & Pour-Esmaili, A.R. (2011). Examining Local Content Requirements in Iranian Laws and Their Compatibility with WTO Regulations. *Judiciary Law Journal*, 75(74), 41-68. (in Persian)
- Shiravi, A.H. (2023). *Oil and Gas Law*. 6th ed. Tehran: Mizan Publishing. (in Persian)
- _____. (2024). *Economic Law*. 4th ed. Tehran: SAMT Publications. (in Persian)
- Sobhiyah, M.H. & Kashtiban, Y. (2008). Challenges of Iran's Energy Conversion Agreements in Future Competitive Market. *Energy Policy*, 36(8), 2846-2849.
- Thumann, A. & Woodroof, E. A. (2009). *Energy Project Financing: Resources and Strategies for Success*, USA: Fairmount Press.